

استعاره مفهومی مزه‌ها در اشعار کودکان

عسگر صلاحی*

ندا نبی‌زاده اردبیلی**

چکیده

استعاره که در دیدگاه کلاسیک، ابزاری شاعرانه برای تزئین کلام به شمار می‌رفت، با ظهور زبان‌شناسانی چون لیکاف (۱۹۹۹) اساس تفکر معرفی شد. به این معنا که امور انتزاعی در قالب امور محسوس درک می‌شوند که به این فرآیند، استعاره مفهومی می‌گویند. در پی پژوهش حاضر که به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیلی - توصیفی انجام گرفته است، در پی بررسی استعاره‌های مفهومی‌ای هستیم که با تکیه بر حس چشایی در اشعار کودکان خلق شده‌اند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که ۱. عمده‌ترین مبداهای متعلق به حوزه چشایی در اشعار کودکان کدامند؟ ۲. تاثیر بهره‌مندی از این مبداهای در القای مفاهیم انتزاعی چیست؟ برای انجام پژوهش ۳۰ کتاب شعر به عنوان نمونه آماری انتخاب و تمامی ابیات آن‌ها بررسی شد. نتایج به دست آمده از پژوهش ۶۸ مورد استعاره مفهومی است که حوزه‌های مبدا آن‌ها «شیرین و تلخ» و حوزه‌های مقصدشان «احساس مطلوب یا نامطلوب ناشی از امور مختلف» است. از آنجا که ۱. بیشتر استعاره‌ها با مزه محبوب کودکان مفهوم‌سازی شده‌اند؛ ۲. همه آن‌ها از نوع هستی‌شناختی‌اند که با دیدگاه کودکان نسبت به جهان تطابق دارد؛ ۳. با محسوس‌ترین مدرکات، مفهوم‌سازی شده‌اند، می‌توان گفت شاعران در تطبیق فضای شعری خود با روحیه کودکان موفق بوده‌اند و شعری مطابق با ذائقه کودکان سروده‌اند.

کلیدواژه‌ها: استعاره مفهومی، اشعار کودکان، مزه‌ها، شیرین، تلخ.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)، asgarsalahi98@gmail.com

** دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه محقق اردبیلی، nedanabizade@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۸

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

یکی از مباحثی که ظهور و رشد زبان‌شناسی شناختی، مسیر مطالعه آن را تغییر داد، «استعاره» بود. استعاره که سالیان متمادی به عنوان ابزاری شاعرانه شناخته می‌شد که در خدمت کاربرد غیرعادی زبان بود؛ با گسترش علوم شناختی، ابزاری برای اندیشیدن و درک امور انتزاعی و فرامادی معرفی شد، با این تعبیر که ذهن، امور انتزاعی را از طریق بازسازی آن‌ها در قالب امور مادی درک و دریافت می‌کند. در این دیدگاه «حوزه انتزاعی»، «قلمرو مقصد» و حوزه عینی و مادی که به واسطه آن درک حوزه انتزاعی امکان‌پذیر می‌شود، «قلمرو مبدا» نامیده می‌شود. (لیکاف، ۱۹۹۲: ۱۱) حوزه مبدائی که برای فهم امور انتزاعی در نظر گرفته می‌شود از امور عینی و ملموس است. یعنی اموری که اغلب به واسطه حواس پنج‌گانه درک و دریافت می‌شود. موضوع اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش مدرکات حوزه چشایی یکی از پنج حس ظاهری انسان در شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی در آثار کودکان است.

همان‌گونه که می‌دانیم این حس از جمله حواسی است که از آغاز پیدایش انسان و از همان دوران جنینی در وجود او فعال می‌شود، از این رو متعلقات این حس جزو عینی‌ترین و ملموس‌ترین امور به شمار می‌آیند و وقتی امور انتزاعی به واسطه متعلقات این حس، بازآفرینی شوند، می‌توان گفت به ملموس‌ترین و عینی‌ترین شکل ممکن میان دو حوزه مبدا و مقصد، انطباق صورت گرفته است. از سویی دیگر از آن جا که کودک، اغلب اطلاعات و تجارب خود را از آغاز زندگی، با کمک حس چشایی به دست می‌آورد از این رو مدرکات این حس برای او از مدرکات دیگر حواس، ملموس‌تر خواهد بود. با توجه به مطالب گفته شده کوشیده‌ایم تلاش شاعران کودک را در مفهوم‌سازی امور انتزاعی برای مخاطبان‌شان بررسی نماییم تا مشخص سازیم که این شاعران تا چه اندازه در تسهیل درک امور انتزاعی برای کودکان، مطابق با دنیای تجربه‌شده آن‌ها موفق بوده‌اند. برای این امر مجموعه اشعاری از شاعران کودک را به طور تصادفی انتخاب کرده و استعاره مفهومی مزه‌ها را در آن اشعار بررسی کردیم که در ادامه به شرح آن خواهیم پرداخت.

۲. روش پژوهش

روش پژوهشی به کار رفته در این مقاله، کتابخانه‌ای و از نوع تحلیلی-توصیفی است. جامعه آماری ۳۰ کتاب شعری است که از میان کتب شعری کودکانه انتخاب شده‌اند. شاعران این آثار عبارتند از: ابراهیمی، خدادوست، رحمان‌دوست، شعبان‌نژاد، شعبانی، کشاورز، کیانوش، لطف‌الله، مزینانی، محقق و بکتاش. کتاب‌های مورد بررسی در جدول ذیل آمده است. این کتاب‌ها به دقت مطالعه شد و تمامی استعاره‌های مفهومی مربوط به حوزه چشایی از آن‌ها استخراج گردید. از این رو نمونه پژوهش در این مقاله، تمامی اشعار موجود در کتاب‌های مورد بررسی بودند.

شماره	نویسنده	نام اثر
۱	خدادوست	شعر سبزه‌ها.
۲	رحمان‌دوست	پرنده گفت به‌به، چشمه نور، دوستی شیرین است، فصل بهار بنویس، گل و چای و خواستگاری.
۳	شعبان‌نژاد	شیشه آواز.
۴	شعبانی	پروانه و گل سر، رنگین کمان کودکان.
۵	کشاورز	چکه‌ای آواز.
۶	کیانوش	آب‌های خسته، بچه‌های جهان، خار و مرارید، زبان‌چیزها، طوطی سبز هندی، خرخاکیها یونجه‌ها و کلاغها، شبستان.
۷	لطف‌الله	زندگی: یک لبخند.
۸	بکتاش	تا رادیو خبر داد.
۹	ابراهیمی	آب مثل سلام، آن مرد بازی می‌کند، آواز پوپک، پروانه در باران، رازهایی در باد، شکوفه‌های شعر، ماری که شاعرم کرد، مهربان سبزپوش.
۱۰	مزینانی	گل، آینه و قرآن.
۱۱	محقق	خواب خوب، یک دانه گردو.
	جمع کل	۳۰

ما در این اثر در پی پاسخ‌دهی به این سوالات هستیم که: ۱. عمده‌ترین مبدهای متعلق به حوزه چشایی در اشعار کودکانه کدامند؟ ۲. تأثیر بهره‌مندی از این مبدها در القای مفاهیم انتزاعی چیست؟

۳. مبانی نظری

در مورد ریشه کلمه استعاره آمده است:

استعاره، metaphor، برگرفته از کلمه یونانی «metaphora» مشتق از «meta» به معنای «فرا» و «pherein» به معنای «بردن» است. مفهوم این کلمه این است که در آن جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر «فرابرده» یا منتقل می‌شود. به نحوی که از شیء دوم به گونه‌ای صحبت می‌شود که گویی شیء اول است. (آهنگر، ۱۳۹۶: ۲۹)

هاوکس از جمله صاحب‌نظرانی است که به بررسی مفصل استعاره پرداخته است. او در کتاب «استعاره»، سیر مطالعه استعاره را به دو دوره کاملاً مجزا تقسیم می‌کند: «۱. از آغاز تا عصر رمانتیک؛ ۲. از عصررمانتیک تا امروز. او دوره اول را دوره کلاسیک و دوره دوم را دوره رمانتیک می‌نامد.» (ن. ک. هاوکس، ۱۳۹۰: ۱۳۵) رویکرد چیره بر دوره کلاسیک دیدگاه ارسطو و آغازگر دوره دوم، آراء لیکاف (۱۹۹۹)، زبان‌شناس معاصر آمریکایی است.

۱.۳ سیر مطالعات استعاره

نخستین کسی که به معرفی استعاره پرداخت، ارسطو بود. او استعاره را ویژه زبان ادبی دانسته و آن را در میان فنون و صناعات ادبی، مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر این فیلسوف، استعاره به طور معمول در اسم رخ می‌دهد و عبارت است از «یک اصطلاح بیگانه که یا از جنس منتقل می‌شود و برای نوع به کار می‌رود یا از نوع به جنس یا از یک نوع به نوع دیگر منتقل می‌شود یا به وسیله قیاس است.» (براتی، ۱۳۹۶: ۵۲) بنابراین استعاره، نامیدن یک شیء به اسمی بیگانه (غیرما وضع له) است. طبق این نگرش سنتی

استعاره، تنها برای اهداف هنری و بلاغی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به دلیل توانمندی و خلاقیت خاصی که لازم است، تنها شاعران و سخنوران می‌توانند از این ابزار به خوبی استفاده کنند. به علاوه، بخش اجتناب‌ناپذیر زبان نبوده و بدون آن هم کار زبان راه می‌افتد. (کوچش، ۲۰۱۰: ۵)

این نگاه، نگاه غالب بر استعاره در دوره کلاسیک بوده و ناشی از تقسیم زبان به دو صورت تحت‌اللفظی و استعاری است که در زبان استعاری، عبارت‌های استعاری جایگزین عبارت‌های تحت‌اللفظی می‌شوند.

استعاره مفهومی مزه‌ها در اشعار کودکانه ۵

بررسی آراء منتقدان و صاحب‌نظران شرقی نیز غلبه دیدگاه کلاسیک در مورد استعاره را در میان آن‌ها تایید می‌کند.

این نکته از تعاریفی که در مورد استعاره از سوی بلاغیون ارائه شده است، قابل برداشت است. در اینجا به تعدادی از این تعاریف اشاره می‌شود:

استعاره در لغت معنی استفعال دارد. یعنی عاریه خواستن لغتی به جای لغت دیگر؛ زیرا شاعر در استعاره واژه‌ای را به علاقه مشابهت به جای واژه دیگری به کار می‌برد. مهم‌ترین نوع مجاز، مجاز به علاقه مشابهت است که به آن استعاره می‌گویند. (شمیسا، ۵۷: ۱۳۸۱)

«استعاره، شیوه‌ای در بازنمود اندیشه شاعرانه است که در آن دو عنصر مورد مقایسه چنان در هم می‌آمیزند که جدا کردن آن‌ها از هم ممکن نبوده و یکی از آن‌ها دیگری را به یاد می‌آورد.» (کزازی، ۱۳۶۸: ۹۸) همچنین (ر.ک. همایی، ۱۳۷۴، ۲۵۰؛ شفیع‌کدکنی، ۱۳۵۰: ۹۳؛ صفوی، ۱۳۷۹: ۲۶۶ و...)

بر این اساس لیکاف و جانسون با در نظر گرفتن آراء منتقدان در مورد استعاره، ارکان نظریه سستی استعاره را چنین برمی‌شمارند:

۱. استعاره، به واژه مربوط می‌شود و به سطح اندیشه راه ندارد. استعاره زمانی ایجاد می‌شود که یک واژه درباره مدلول متعارفش به کار نرود؛ ۲. زبان استعاره، بخشی از زبان قراردادی متعارف نیست؛ بلکه زبانی جدید است که در شعر و عبارتهای بلیغ و فصیح برای اقیانوس‌سازی و در کشفیات علمی به کار می‌رود؛ ۳. زبان استعاری، زبان انحرافی است؛ یعنی در استعاره، واژه‌ها در معنای متعارف خود به کار نمی‌روند؛ ۴. عبارتهای استعاری قراردادی در زبان معمولی روزمره «استعاره‌های مرده» هستند. ۵. استعاره‌ها، شباهت‌ها را نشان می‌دهند؛ به عبارت دیگر، وجوه شباهت از پیش موجود میان مدلولات معمولی واژه‌ها و مدلولات استعاری آن‌ها را نشان می‌دهد. (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۹: ۱۹)

به طور کلی باید گفت دیدگاه کلاسیک با در نظر گرفتن کارکردهای گوناگون برای استعاره، در نهایت کارکرد اصلی آن را تزئین گفتار و نوشتار می‌داند. کارکردی که می‌تواند سیاق کلام را از سطح عادی و معمولی زبان ارتقا بخشد.

ولی با ظهور زبان‌شناسی شناختی، نظریه استعاره به یک‌باره متحول شد. لیکاف، در مقاله «نظریه معاصر استعاره» دیدگاه کلاسیک استعاره را به چالش کشید و تزئینی بودن استعاره را

نفی کرد. او با انتشار کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» به همراه جانسون، ادعا کرد استعاره تنها به حوزه زبان محدود نیست بلکه سراسر زندگی روزمره و از جمله حوزه اندیشه و علم را نیز دربر می‌گیرد. در این رویکرد جدید، استعاره با ویژگی‌های عملکرد ذهن مرتبط دانسته شده و برای درک مفهومی انتزاعی از طریق مفهومی تجربه‌پذیر و عینی به کار گرفته می‌شود. هم چنان که شهری اذعان می‌دارد:

استعاره‌ها، مفاهیم روزمره را ساختار می‌بخشند و این ساختار در زبان تحت‌اللفظی بازتاب می‌یابند. برخلاف تصور ارسطویی، استعاره مسئله‌ای فقط زبانی نیست، فرآیند تفکر بشر به صورت گسترده‌ای استعاری است و نظام مفاهیم بشری به گونه‌ای استعاری، ساختاربندی و تعریف می‌شود. (شهری، ۱۳۹۱: ۶۱)

در این دیدگاه شاعر دسترسی خاصی به نوع خاصی از زبان یا دانش ندارد که دیگران از آن بی‌بهره باشند بلکه استعاره «حاصل زبان است نه تصویرسازی و همه جا حاضر در کل زبان است.» (هاوکس، ۱۳۹۰: ۹۲) و باید آن را «در مفهوم کلی، به کارگیری ارتباط دلالت‌گری درباره مجموعه‌ای از پدیده‌ها که میانشان ارتباطی کلی وجود دارد» (اوگدن و ریچاردز، ۱۹۷۲: ۲۱۳) دانست. با توجه به مطالب گفته شده دو اصل مهم بر نظریه معاصر استعاره حاکم است که لی آن‌ها را چنین برمی‌شمارد: «الف) استعاره، مختص زبان شعر و گونه ادبی نیست. ب) استعاره صرفاً پدیده‌ای زبانی نیست؛ بلکه به طور کلی ریشه در نظام مفهومی ذهن انسان دارد.» (لی، ۲۰۰۱: ۷)

براساس دیدگاه معاصر استعاره، هر جا انسانی و ارتباطی وجود دارد، حضور استعاره قابل تشخیص است؛ چرا که ارتباط بشر مبتنی بر اندیشه و اساس اندیشه مبتنی بر استعاره است. از همین رو است که کوچش معتقد است: «استعاره، یک پدیده با توزیع گسترده است که تمامی واقعیت فرهنگی ما اعم از فرهنگ مادی و رویدادهای فیزیکی را دربر می‌گیرد و بدون استعاره، ما نمی‌توانیم از جهان خود سر در بیاوریم.» (کوچش، ۱۳۹۶: ۴۸۰)

۲.۳ انواع استعاره مفهومی

گفته شد که استعاره مفهومی، درک یک امر انتزاعی از طریق مفهوم‌سازی آن در قالب امری مادی و عینی است. از این رو از نظر فتوحی هر استعاره مفهومی دارای دو جزء است که عبارتند از: حوزه مقصد (target domain) و حوزه مبدا (source domain). «حوزه مفهومی

عینی را حوزه مبدا و حوزه مفهومی انتزاعی را حوزه مقصد نامیده‌اند.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۲۶) «ارتباط میان این دو حوزه نیز به شکل گزاره‌هایی نمود می‌یابد که نگاشت (mapping) نامیده می‌شود.» (کوچش، ۱۳۹۳: ۱۳۴) فتوحی در تعریف نگاشت می‌آورد:

نگاشت، عبارت است از قلمروهای متناظر در نظام مفهومی؛ از این رو، هر نگاشت را مجموعه‌ای از تناظرهای مفهومی و نه یک گزاره صرف می‌دانند. به عبارت دیگر، برخلاف آنچه نظریه کلاسیک مطرح می‌کند، این کلمات یا عبارات نیستند که استعاره را می‌سازند بلکه اساس استعاره از روابط مفهومی میان دو حوزه مبدا و مقصد شکل می‌گیرد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۷-۳۲۶)

در مورد تقسیم بندی استعاره مفهومی باید افزود که:

لیکاف و جانسون، استعاره‌های مفهومی را با توجه به ویژگی‌های حوزه مبدا و روند شکل‌گیری آن به سه نوع تقسیم کردند: استعاره‌های ساختاری، استعاره‌های جهتی و استعاره‌های هستی‌شناختی. استعاره ساختاری، وظیفه سازماندهی و قالب‌بندی یک مفهوم را در حوزه یک مفهوم دیگر به صورت نظام‌مند بر عهده دارد. کوچش (۱۳۹۶: ۷۵)

بنا به نظر کوچش در استعاره ساختاری حوزه مبدا، ساختار معرفتی نسبتاً پرمایه‌ای برای شناسایی حوزه مقصد است. برای مثال اسم نگاشت «مباحثه جنگ است» نشان می‌دهد که چگونه «بحث و مجادله لفظی» را با تجربه جنگ و نبرد، مفهومی و تصویری می‌توان کرد. (همان: ۷۵) «لیکاف و جانسون برآن‌اند که اکثر استعاره‌های گزاره‌ای از این نوع هستند.» (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۹)

کوچش استعاره هستی‌شناختی را چنین شرح می‌دهد: «از نظر لیکاف و جانسون، تجربه ما از اشیا و جوهرها اجازه می‌دهد تا امکان شناخت بخش‌هایی از تجربیات به عنوان وجود و جوهر مجزای واحد فراهم شود. زمانی که تجربیات به عنوان وجود و جوهر شناخته شدند، می‌توان به آن‌ها اشاره و آن‌ها را طبقه‌بندی و گروه‌بندی کرد و از این طریق درباره آن‌ها استدلال کرد. این نوع از استعاره‌ها مفاهیم غیرمادی و غیرفیزیکی را به طور فیزیکی مفهومی می‌کنند. باید توجه داشت «استعاره‌های هستی‌شناختی، درکی عمیقاً بنیادین و در عین حال خام، از مفاهیم مقصد به دست می‌دهند که در مرحله بعد، مقدمات فهم استعاره‌های ساختاری را فراهم می‌کنند.» (کوچش، ۱۳۹۶: ۷۵)

استعاره جهتی یا وضعی نیز بنا به تصریح لیکاف و جانسون استعاره‌هایی هستند که

عمدتاً مفاهیم را براساس جهت‌گیری فضایی (orientation spatial-) مانند: بالا، پایین، عقب، جلو، نزدیک، دور و... سازمان‌دهی و مفهومی می‌کنند. کارکرد استعاری این جهت‌گیری‌های فضایی از این واقعیت نشأت می‌گیرد که بدن انسان مکانمند و فضایی است و شکل عملکرد جسم وی با کارکردهایش در محیط بیرون یکسان است. (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴: ۱۴)

از نظر این دو صاحب‌نظر، انتخاب و کاربرد اغلب استعاره‌های جهتی اختیاری نیست، چرا که آن‌ها ریشه در تجارب فرهنگی و فردی ما دارند. به همین دلیل ممکن است این استعاره‌ها به رغم ماهیت مادی مشترک که ناشی از ساختار یکسان بدن انسان و عملکرد آن است، از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشند.

۳.۳ حس چشایی و جایگاه آن در شناخت کودک

هر موجود زنده‌ای، در محیطی خاص زندگی می‌کند و متأثر از آن است. از آنجا که همه پدیده‌های محیط پیرامون برایش مفید نیستند، بنابراین او برای بقای خود، به شناخت پدیده‌ها نیازمند است؛ چرا که

موفقیت فرد در زندگی، به میزان استعدادش برای مبارزه و غلبه بر این محیط و میزان تعدیل رفتار خود بر وفق مقتضیات آن بستگی دارد. این امر، در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که او به محیط خود آشنا باشد و آن را بفهمد. (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۴)

آنچه این شناخت را برای انسان فراهم می‌سازد، حواس ظاهری او است و در حقیقت تنها راه ارتباطی بشر با محیط پیرامونش، حواس پنج‌گانه است. اما ادراک حاصل از هر یک از حواس از لحاظ کمی و کیفی به طرز فاحشی متفاوت هستند؛ زیرا شکل‌گیری و گسترش حواس ظاهری به صورت همزمان صورت نمی‌گیرد. شماری از این حواس از همان دوران جنینی در وجود انسان فعال می‌شوند ولی برخی دیگر بعد از تولد نوزاد در وجودش به کار می‌افتد و زمینه شناخت را برایش فراهم می‌سازد. از جمله حواسی که از همان دوران جنینی در وجود انسان، فعال می‌شود و در این پژوهش نیز مد نظر ما است، حس چشایی است. روان‌شناسان حوزه رشد معتقدند: «از سه ماه اول زندگی درون رحمی به بعد، به سرعت سیستم چشایی جنین فعال است.» (تورت و گیودتی، ۱۳۸۷: ۴۶) این اعتقاد حاصل

انجام آزمایشاتی است که با افزودن مواد شیرین و تلخ به مایع آمونیاکی درون رحم انجام گرفته است. سنجشگران مشاهده کرده‌اند که با تزریق مواد شیرین به درون رحم، دفعات بلع جنین افزایش می‌یابد و با تزریق مواد تلخ این فرآیند معکوس می‌گردد. (رک. همان: ۴۶)

و این گویای فعال بودن حس چشایی در وجود جنین است. بعد از تولد و در دوران کودکی نیز، حس چشایی، بنا به اعتقاد صاحب‌نظران در کودکان به مراتب قوی‌تر از بزرگسالان است. عمل چشایی یک عمل شیمیایی است؛ زیرا نتیجه فعل و انفعال مواد گوناگون جوانه‌هایی است که روی زبان پراکنده‌اند. شماره این جوانه‌ها در کودکان بیش از بزرگسالان است و در وسط زبان، سطح مخاطی زیر گونه‌ها و بطور کلی قسمت بیشتر دهان وجود دارند در صورتی که در اشخاص بزرگسال چنین نیست. به همین سبب، کودک از لحاظ چشایی بیش از بزرگسالان حساسیت دارد. بر این اساس معتقدیم، حس چشایی یکی از حواس بنیادی در ادراک کودک بوده و مدرکات این حس جزو محسوس‌ترین و ملموس‌ترین امور به شمار می‌آیند. از این رو در این پژوهش تاثیر این حس را در آفرینش استعاره‌های مفهومی در آثار کودکان بررسی می‌کنیم.

۴. پیشینه

اگر چه در مورد استعاره مفهومی، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است ولی در این میان تعداد اندکی از این پژوهش‌ها آثار کودکان را جامعه آماری خود قرار داده‌اند. به گونه‌ای که در این میان تنها سه مقاله قابل استناد است:

سجودی و قنبری (۱۳۹۱)، در مقاله خود استعاره مفهومی «گذر زمان به مثابه حرکت در مکان» را در قصه‌های کودکان بر اساس نظریه معاصر استعاره لیکاف بررسی کرده‌اند. یافته‌های مقاله به این شرح است: ۱. به نظر می‌رسد کودک فارسی زبان در گروه‌های سنی مورد بررسی مفهوم زمان را به واسطه حرکت در مکان درک می‌کند. ۲. کودک فارسی زبان در گروه‌های سنی مورد بررسی نه تنها مفهوم زمان را به واسطه حرکت در مکان درک می‌کند، بلکه عملکرد الگوی نگاشت «زمان چیز است»، «آن چیز در حرکت است» در استعاره زمان، با فرافکنی هستی‌شناسانه به ماه و خورشید و اشیا پیرامون کودک وابسته است و بر درک مفهوم زمان تاثیر مستقیم دارد. ۳. نظریه معاصر استعاره لیکاف ابزار نظری مناسبی برای بررسی ساختار مفهومی داستانهای کودک است. افراشی و نعیمی (۱۳۸۹) در چارچوب رویکرد شعرشناسی شناختی بر روی داستان‌های کودک، به این نتیجه رسیده‌اند که این

روش، می‌تواند شواهد بالارزشی برای شعرشناسی شناختی باشد؛ چرا که بهترین نمونه‌ها برای تحلیل شناختی از مراحل اولیه رشد زبانی به دست می‌آید. شریفی و حامدی (۱۳۸۹) در مقاله خود استعاره‌های شناختی ادبیات کودک و نوجوان را بررسی کرده‌اند. نویسندگان که در این اثر بیشتر به استعاره هستی‌شناختی پرداخته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که: از میان استعاره‌های هستی‌شناسانه، شخصیت‌بخشی به حیوانات، خوراکی‌ها و اشیاء در گروه‌های سنی الف و ب بیشتر مشاهده می‌شود. در داستان‌های مربوط به کاربرد اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها که جزو استعاره‌های هستی‌شناسانه‌اند و همچنین استعاره‌های مفهومی و ساختاری بیشتر مشاهده می‌شود. این مسئله نیز با رشد تفکر انتزاعی در نوجوانان سازگاری دارد.

شایان ذکر است که از میان سه مقاله مورد اشاره تنها مقاله‌ای که شاید تا حدودی قابل مقایسه با این اثر پژوهشی باشد، مقاله شریفی و حامدی است که نویسندگان در آن به بررسی استعاره هستی‌شناختی در ده داستان کودکان پرداخته‌اند. اگرچه در این مقاله هم به استعاره مفهومی خوراکی‌ها پرداخته شده است ولی نویسندگان به جان‌بخشی خوراکی‌ها در داستان‌ها پرداخته‌اند؛ مانند جان‌بخشی به عدس، فلفل، بادمجان و... نه استعاره مفهومی مربوط به طعم و مزه. از سوی دیگر استعاره مفهومی مد نظر ما در این پژوهش اساساً ارتباطی با تشخیص نداشته و استعاره‌های مورد بررسی همگی از نوع استعاره هستی-شناختی یعنی ماده و شیء تلقی کردن امر انتزاعی است. بر این اساس باید گفت مقاله حاضر در نوع خود مسبوق به سابقه نیست.

۵. استعاره‌های مزه موجود در اشعار کودکان

همان گونه که در مقدمه ذکر شد، از نظر زبان‌شناسان معاصر، استعاره، اساس تفکر بشر است و انسان برای درک امور فرامادی از استعاره بهره می‌برد. از آنجا که تفکر، ویژگی ذاتی نوع بشر است و ربطی به جنسیت، سن و .. ندارد؛ پس استعاره نیز که زیربنای تفکر را می‌سازد، در کلیه روابط انسانی ساری و جاری خواهد بود. ادبیات کودکان نیز به عنوان شاخه‌ای از ادبیات گسترده یک ملت، قاعدتاً از استعاره خالی نخواهد بود. اما از آنجا که ادبیات کودک مخاطب خاص خود را دارد که از درک مطالب پیچیده و سنگین ناتوان است؛ بنابراین نویسندگان این آثار باید در گزینش عبارات و مضامین آثار خود دقت بیشتری به کار ببرند. می‌دانیم که امور فرامادی برای کودکان چندان قابل درک نیستند _ و حوزه مقصد

استعاره مفهومی از مقوله‌های فرامادی هستند _ و در عین حال گاه نویسنده از بیان این امور ناگزیر است، پس باید این امور به ساده‌ترین شکل ممکن بیان شود.

همچنین گفته شد که حوزه‌های مبدائی که برای بیان امور انتزاعی برگزیده می‌شوند، از میان ملموسات حوزه‌های پنج‌گانه حواس چشایی، لامسه، بویایی، شنوایی و بینایی هستند. در این میان مدرکات حوزه چشایی و لامسه به زعم ما جزو محسوس‌ترین امور هستند؛ زیرا که مدرکات این دو حس بدون هیچ فیلتر و واسطه‌ای با جسم انسان ارتباط می‌یابند. از سویی دیگر این دو حس از دوران جنینی، در وجود انسان فعال می‌شود و انسان نسبت به مدرکات این دو حوزه، سابقه ذهنی بیشتری دارد. از این رو در استعاره‌هایی که حوزه مبدا از مدرکات دو حوزه چشایی و لامسه انتخاب می‌گردد، فهم آن برای کودک به مراتب آسان‌تر خواهد بود. توجه به آثار نویسندگان و شاعران ادبیات کودک به گونه‌ای این گفته را تایید می‌کند.

ما برای انجام این پژوهش ۳۰ اثر از مجموعه اشعار شاعران کودک را انتخاب کرده و استعاره‌های مفهومی موجود در آن‌ها را بررسی کرده‌ایم. بررسی‌ها نشان می‌دهد که شاعران منتخب، اغلب مدرکات حوزه چشایی و لامسه را به عنوان حوزه مبدا در استعاره‌های مفهومی خود به کار برده‌اند. از آنجا که در این پژوهش تنها به بررسی نقش مدرکات حوزه چشایی در خلق استعاره‌های مفهومی می‌پردازیم. در ادامه به بررسی استعاره مفهومی مزه‌ها خواهیم پرداخت.

شماره	شاعر	استعاره مفهومی مزه شیرین	نام اثر	شماره صفحه
۱	رحمان- دوست	خواب شیرین، روز شیرین، زندگی شیرین	پرنده گفت به به	۱۲
		خواب شیرین	چشمه نور	۲۲
		دختر شیرین، او شیرین است، دوستی شیرین	دوستی شیرین است	۷۸، ۴
		وقت شیرین	گل و چای و خواستگاری	۲
		شیرین‌ترین کار	فصل بهار بنویس	۱۴
۲	شعبان‌نژاد	خنده شیرین	شیشه آواز	۲۱
۳	شعبانی	زندگی شیرین	رنگین کمان کودکان	۹
		تو شیرینی	یک نفر رد شد از کنار	۲۱

	دلم			
۲۸	چکهای آواز؛ تکه‌های مهتاب	خواب شیرین	کشاورز	۴
۲۵	چکهای آواز؛ تکه‌های مهتاب	رویای شیرین		
۹	زندگی یک لبخند	زندگی شیرین(۲بار)	لطف‌الله	۵
۲۹	آب‌های خسته	فریاد شیرین	کیانوش	۶
۸۵	شکوفه حیرت	زمزمه شیرین		
۱۲۸	خرخاکها یونجه‌ها و کلاغها.	بازی شیرین		
۲۱۰، ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۹۶	بچه های جهان	احساس شیرین، صدای شیرین، حکایت شیرین، حس شیرین		
۵۳، ۱۰۳	خار و مروارید	نغمه شیرین، حکایت شیرین، عطر شیرین		
۵۴	زبان چیزها	آواز شیرین، صدای شیرین، سخن شیرین		
۷، ۱۳، ۲۴، ۳۰	شبستان	یادبود شیرین، واقعیت شیرین، لبخند شیرین، شیرین کام		
۱۰	طوطی سبز هندی	سخن شیرین		
۱۸	آب مثل سلام	خواب شیرین		
۱۴	آن مرد بازی می‌کند	بازی شیرین، سلام شیرین		
۶	آواز پوپک	قصه شیرین (۲مورد)، زندگی شیرین	ابراهیمی	۷
۱۸	پروانه در باران	خواب شیرین		
۳۶، ۲۲	رازهایی در باد	حس شیرین(۲مورد)، لبخند شیرین		
۳۴	شکوفه های شعر	قصه شیرین		
۱۰	ماری که شاعرم کرد	حس شیرین		
۴	مهربان سبز پوش	روزهای شیرین		
۲۰	گل، آئینه و قرآن	حرف شیرین		
۴۸	جمع کل			

استعاره مفهومی مزه‌ها در اشعار کودکانه ۱۳

همان گونه که از جدول فوق برمی‌آید، در میان استعاره‌های مستخرج از اشعار کودکانه ۴۸ مورد با کمک مزه شیرین مفهوم‌سازی شده‌اند. که در اینجا به ابیاتی که این استعاره‌ها در آن‌ها نمود یافته است، اشاره می‌شود.

نوبهاری زیباست / روزها شیرین است / ننه سرما دیگر / خسته و غمگین است (رحمان - دوست، ۱۳۸۴:۷)

شده شیرین حالا / دختر من دیگر / من برایش هستم / صبح تا شب مادر (رحمان - دوست، ۱۳۸۹:۷)

شیرین‌ترین کار / رازو نیاز است / ظهر و شب و روز / کارم نماز است (رحمان دوست، ۱۳۸۵:۱۲)

ایلی از خنده‌های شیرینت / از میان نگاه من کوچید (شعبان نژاد، ۱۳۹۱:۲۱)
همیشه صبح تا شب من / در این رویای شیرینم / تمام صورتم چشم است / ولی اورا نمی‌بینم (کشاوری، ۱۳۸۴:۱۴)

غیر از حکایت‌های شیرین / دارم حکایت‌های دیگر / می‌گویم آن‌ها را همیشه / یک طور دیگر، جای دیگر (کیانوش، ۱۳۷۸:۲۱۰)

از آن‌ها می‌خواهی / اخباری آوازی / آواز شیرینی / آهنگ دمسازی (کیانوش، ۱۳۸۱:۵۴)
بعضی از شب‌ها / با صدای شیرین / ساعتی می‌خواند / قصه‌های شیرین (همان: ۱۳)
طوطی سبز هندی / از جنگل‌ها می‌آیی / با قصه‌های شیرین / به شهر ما می‌آیی (کیانوش، ۱۳۸۲:۱۰)

زندگی شیرین است / مثل یک آب نبات / مثل گل، مثل عسل / مثل قند و شکلات (لطف الله، ۱۳۸۳:۱۴)

لبخند تو را که گرم و شیرین بود / در چهره آفتاب می‌دیدم. (ابراهیمی ب، ۱۳۸۶:۲۲)

آوازتان در گوش‌های من / زیبا و شیرین است. (همان: ۴۸)

او یک سلام شیرین / بر جمع کودکان کرد. (ابراهیمی، ۱۳۸۵:۳)

چه حس شیرینی است / که در دلم دارم (ابراهیمی، ۱۳۹۲:۱۴)

حرف او مثل عسل / ساده و شیرین بود / او برای گل‌ها / یک کمی غمگین

بود (مزینانی، ۱۳۹۲:۲۰)

در نمونه‌های ارائه شده «صفت شیرین» مشترکا برای توصیف امور گوناگونی به کار رفته است. طبق آراء زبان‌شناسان شناختی، در همه مثال‌های ذکر شده «شیرین»، حوزه مبدا است و آنچه شاعران در پی توضیح و تشریح آن هستند، حوزه مقصدند که به ترتیب عبارتند از: روز، دختر، کار، خنده، رویا، حکایت، آواز، صدا، قصه، زندگی، لبخند، سلام، حس و ...

شماره	شاعر	استعاره مفهومی مزه تلخ	نام اثر	شماره صفحه
۱	خدادوست	لحظه‌های تلخ	شعر سبزه‌ها	۱۴
۲	شعبان‌نژاد	صدای تلخ	شیشه آواز	۲۹
۳	شعبانی	خبر تلخ	پروانه و گل سر	۷
۴	کیانوش	سخن تلخ، پند تلخ	بچه های جهان	۱۸۶
		اندیشه تلخ	خار و مروارید.	۱۲۸
		عمر تلخ، لحظه تلخ، کلام تلخ، ناله تلخ	خرخاکیها یونجه‌ها و کلاغها.	۴۴، ۶۶، ۱۳۰
		یادبود تلخ، واقعیت تلخ، اندیشه تلخ (۲ مورد)، فکر تلخ	شبستان	۲۹، ۷، ۱۳، ۲۶، ۳۹
		چکامه تلخ، گریه تلخ، نفس تلخ	شکوفه حیرت	۶
۵	بکناش	روز تلخ	تا رادیو خبر داد	۷
۶	ابراهیمی	سوال تلخ	رازهایی در باد	۱۸
۷	رحمان دوست	وقت تلخ	گل و چای و خواستگاری	۲
۲۰		جمع کل		

در میان استعاره‌های به کار رفته در اشعار کودکان، سهمی نیز به بیان امور نامطلوب با بهره‌گیری از مزه تلخ، اختصاص دارد. از میان ۳۸ استعاره مفهومی مستخرج از جامعه آماری، ۲۰ مورد با بهره‌گیری از مزه تلخ بازنمایی شده‌اند. شاعران کوشیده‌اند حس نامطلوب ناشی از برخی امور را با کمک مزه مورد اشاره به مخاطب کودک خود القا نمایند. در ادامه به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود.

استعاره مفهومی مزه‌ها در اشعار کودکانه ۱۵

از بس به من گفتند/ بیچاره و بدبخت/ شد لحظه‌هایم تلخ/ شد لحظه‌هایم سخت (خدادوست، ۱۳۸۳: ۱۴)

نگاهش رفته تا آن سوی خانه/ لب یک ظرف خالی پای دیوار/ میان برف‌ها پیچیده امروز/ صدای تلخ هق‌هق‌های دیوار (شعبان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۲۹)
قاصدک چرخ‌زد/ از سر شهر گذشت/ خبر تلخی را/ با خودش برد به دشت (شعبانی، ۱۳۷۸: ۷)

پند تلخی که بر زبان رانیم/ خود بسی آزموده‌ایم آن را (کیانوش، ۱۳۷۸: ۱۸۶)
آن قصه‌ها که من/ یک عمر تلخ گفتم و گفتم/ از آنچه بود و راست بود و نهایت بود/ هرگز نشان نداشت (کیانوش، ۱۳۵۰: ۴۴)

لیکن این ناله تلخ/ همچنان معنی دیگر دارد (همان: ۱۳۰)
فکر فتح قله است/ قله‌ای به نام تانک/ تلخ کرده روز را/ مصطفی به کام تانک (بکتاش، ۱۳۹۱: ۷)

در نگاه خسته‌اش انگار/ یک سوال تلخ پیدا بود (ابراهیمی ب، ۱۳۸۶: ۳۴)
می‌توان در چشم‌ها هم با خنده/ اخم تلخ چشم‌ها را باز کرد (ابراهیمی ب، ۱۳۸۲: ۲۲)
در نمونه‌های مورد اشاره، «تلخ» حوزه مبدا است که از امور عینی و محسوس انتخاب شده است؛ زیرا مزه تلخ، به واسطه حس ظاهری چشایی درک می‌شود و حوزه‌های مقصد عبارتند از: لحظه، صدا، خبر، ناله، پند، عمر، روز، سوال اخم و...

جدول استعاره‌های مفهومی مزه‌ها در اشعار کودکانه

فرآوانی	حوزه‌های مقصد	حوزه‌های مبدا	استعاره مفهومی مزه‌ها
۴۸	خواب، روز، دختر، او، تو، کار، دوستی، خنده، لبخند، رویا، حکایت، فریاد، بازی، احساس، نغمه، سخن، حرف، سلام، آواز، صدا، قصه، یادبود، واقعیت، کام، زمزمه و زندگی	شیرین	مزه شیرین
۲۱	لحظه، صدا، خبر، سخن، اندیشه، کلام، چکامه، سوال، ناله، پند، عمر، روز، یادبود، واقعیت، وقت، فکر، نفس، گریه.	تلخ	مزه تلخ

۶. تحلیل استعاره‌های مفهومی مزه‌ها در اشعار کودکان

چنان که از جدول فوق برمی‌آید حدوداً ۶۹ استعاره مفهومی با مبدائیت حس چشایی در اشعار مورد بررسی قابل تشخیص است. برای حوزه مبدا این استعاره‌ها از میان متعلقات حوزه چشایی تنها به دو مزه تلخ و شیرین اکتفا شده است؛ یعنی دقیقاً مزه‌هایی که کودکان طعم‌های مطلوب و نامطلوب خود را با کمک آن‌ها بیان می‌کنند. بسیار دیده شده است که کودک برای بیان مزه شوری یا ترشی از لفظ تلخ استفاده کرده است یا خوشمزه بودن چیزی را با لفظ شیرین توصیف کرده است. می‌توان گفت شاعران با تکیه بر ذائقه کودکان که عمدتاً شیرینی‌پسند است، برای مفهوم‌سازی امور مطلوب از واژه شیرین استفاده کرده‌اند. مانند: خواب شیرین، زندگی شیرین، حرف شیرین و... و در مقابل امور و حس نامطلوب را با مزه نامطلوب تلخ به کودک القا کرده‌اند. همچون: صدای تلخ، لحظه تلخ و خاطره تلخ. شایان ذکر است که شاعران بیشتر از مزه شیرین در مفهوم‌سازی‌های خود بهره برده‌اند و واژه تلخ، کمتر در وصف حالات گوناگون استفاده شده است.

اما حوزه مقصد، طیف وسیع و متنوعی از امور را در برمی‌گیرد. اگر بخواهیم این امور را طبقه‌بندی کنیم باید گفت حوزه‌های مقصد به ظاهر به دو دسته مفاهیم مادی و غیرمادی بخش‌پذیرند. اموری چون او، لبخند، تو، ناله، نفس و... جزو حوزه‌های مقصد مادی‌اند؛ حال آن که اندیشه، واقعیت، دوستی و... جزو امور غیرمادی‌ای هستند که حوزه مقصد استعاره‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. حدوداً ۳۰ استعاره مفهومی بازشناخته در آثار کودکان، حوزه مقصد غیرمادی دارند و حوزه مقصد بقیه استعاره‌های مفهومی یعنی حدوداً ۳۸ مورد مادی است. از این رو باید گفت اولاً امور غیرمادی کمتری به عنوان حوزه مقصد انتخاب شده‌اند؛ ثانیاً این امور جزو امور در دسترس بوده و بسیار دیرپاب نیستند.

نگاهی به استعاره‌های مفهومی با حوزه مقصد مادی نیز قابلیت تقسیم‌بندی آن‌ها را به بخش‌های کوچک‌تر نشان می‌دهد. این حوزه‌های مقصد با توجه به حس دریافت‌کننده‌شان به حوزه‌های مقصد متکی به حس شنوایی، حس بینایی، حس چشایی، حس لامسه و حس بویایی بخش‌پذیرند. به عنوان مثال در استعاره مفهومی آواز شیرین یا زمزمه شیرین، حوزه مقصد آواز یا زمزمه به واسطه حس شنیداری درک و دریافت می‌شود یا در استعاره لبخند شیرین، لبخند با چشم دیده می‌شود پس حوزه مقصد از متعلقات حس بینایی است. در جدول زیر حوزه‌های مقصد بر این اساس تقسیم‌بندی شده‌اند:

جدول تقسیم‌بندی حوزه‌های مقصد استعاره‌های مفهومی موجود در اشعار کودکان

حوزه‌های مقصد مادی			حوزه‌های مقصد غیرمادی
بویایی	بینایی	شنوایی	
عطر	دختر	خنده - سخن	خواب (۵بار) - زندگی (۵بار) دوستی - وقت (۲بار) رویا - احساس یادبود (۲بار) - واقعیت (۲بار) لحظه (۲بار) - پند عمر - اندیشه (۲بار) فکر -
	او	فریاد - کلام	
	تو	زمزمه - ناله	
	بازی (۲بار)	صدا (۳بار) - چکامه	
	لبخند (۲بار)	حکایت (۲بار) - گریه	
	دهان	نغمه - نفس	
	کام	آواز - سوال	
روز (۳بار)	سخن (۳بار) - خبر	جمع: ۳۰	
جمع: ۳۸			

چنان که ملاحظه می‌شود بخش اعظم حوزه مقصد مادی از متعلقات حوزه شنیداری است. به طور کلی شاعران در اغلب موارد متعلقات دو حوزه شنیداری و بینایی را برای حوزه مقصد خود برگزیده‌اند.

نکته‌ای که در این میان در مورد دسته‌بندی حوزه‌های مقصد جلب توجه می‌کند این است که پیش‌تر گفته شد از نظر زبان‌شناسان معاصر، در هر استعاره مفهومی، حوزه مبدا از امور محسوس و حوزه مقصد از مفاهیم انتزاعی انتخاب می‌شوند. «حوزه مقصد که همان امر انتزاعی است که در پی درک آن هستیم و حوزه مبدا که امری عینی و محسوس است که به کمک آن امور غیرمادی و نامحسوس، عینی‌سازی شده و درک می‌شوند.» (کوچش، ۱۳۹۳: ۱۳۴) ولی در اغلب مثال‌های ذکر شده به ظاهر هر دو حوزه مبدا و مقصد از نوع مادی و محسوس هستند مانند: آواز شیرین، صدای شیرین، دختر شیرین و... که در آن‌ها هم موصوف محسوس است و هم صفت و این مغایر آراء کوچش و لیکاف است. اما باید گفت در همه مثال‌های ذکر شده آنچه به عنوان حوزه مقصد از سوی گویندگان مدنظر است، «لذت و حس برگرفته از امور» است نه خود امر مورد اشاره؛ یعنی وقتی شاعر می‌گوید: «بعضی از شب‌ها/ با صدای شیرین/ ساعتی می‌خواند/ قصه‌های

شیرین» (کیانوش، ۱۳۸۱: ۵۴) در حقیقت، لذت ناشی از شنیدن صدا و قصه را با واژه «شیرین» تبیین کرده است، یعنی حس ناشی از شنیدن قصه و صدای ساعت را با لذت حاصل از خوردن شیرینی معادل‌سازی کرده و برای مخاطب خود این حس را درک‌پذیر نموده است. این همان چیزی است که در اصطلاح زبان‌شناسان، نگاشت نامیده می‌شود، یعنی تمام ۴۸ استعاره مفهومی ساخته شده با محوریت مزه شیرین حول نگاشت «لذت، ماده‌ای شیرین است» یا «حس خوشایند ناشی از امور مختلف، ماده‌ای شیرین است» شکل گرفته است. شایان ذکر است که در این ترکیبات «شیرین» به قول بلاغیون، صفت جانشین اسم است و منظور از آن «ماده شیرین» است. یعنی کلان‌استعاره حاکم در تمامی نمونه‌های ذکر شده «لذت، ماده‌ای شیرین است.» می‌باشد. یعنی برای امری نامحسوس و انتزاعی (لذت ناشی از خوابیدن، شنیدن آواز، دیدن رویا و...) طعم و مزه قائل شده است که ویژگی ماده است. این ویژگی را در استعاره‌های مفهومی برساخته از طعم تلخ هم می‌توان دید. در این موارد نیز شاعران حس ایجاد شده از امور گوناگون را در قالب ماده‌ای که دارای طعم تلخ است، مفهوم‌سازی کرده‌اند. اگر بخواهیم کلان‌استعاره حاکم بر این نمونه‌ها را تعیین کنیم، عبارت «احساس ناخوشایند، ماده‌ای با طعم تلخ است» را می‌توان اساس شکل‌گیری استعاره‌های مورد نظر دانست. نگاشت این کلان‌استعاره هم می‌تواند «غیرقابل تحمل بودن» و «نامطلوب بودن» دانست، یعنی همان گونه که خوردنی تلخ‌مز، ناگوار و غیرقابل تحمل است حس‌های نامطلوب نیز تحمل‌ناپذیرند.

براین اساس باید این نکته را در نظر داشت که در استعاره مفهومی، همواره عین واژه به کار رفته را نباید حوزه مبدا و یا مقصد در نظر گرفت بلکه گاه منظور گوینده متعلقات یا ویژگی‌های واژه به کار رفته است. همچنان که در استعاره‌های فوق منظور از حوزه‌های مقصد در تمامی موارد، لذت ناشی از امور گوناگون است نه خود آن امور.

در بیان نوع استعاره‌های به کار رفته در همه نمونه‌های مورد اشاره نیز باید افزود که همه این استعاره‌های مستخرج از نوع هستی‌شناختی‌اند. یعنی شاعران امور انتزاعی را در قالب امور محسوس بازسازی کرده‌اند. از آنجا که بنا به نظر لیکاف و جانسون

استعاره هستی‌شناسانه سه نوع است: ۱. استعاره ظرف: در این نوع استعاره‌ها، درباره پدیده‌ها و اشیائی که در واقع، فاقد حجم و فاقد درون و بیرون هستند، طوری صحبت می‌کنیم که گویی درون و بیرون دارند. ۲. تشخیص: در این نوع استعاره، شیء فیزیکی و مفهومی انتزاعی، شخص پنداشته می‌شود و با این شخص انگاری می‌توان بسیاری از

تجربه‌های مربوط به پدیده‌های غیرانسانی را در چارچوب انگیزه‌ها، مشخصه‌ها و فعالیت‌های انسانی درک کرد. ۳. استعاره‌های پدیده‌ای یا مادی از جمله استعاره‌هایی هستند که بر اساس تجربه‌کردن اشیای مادی و فیزیکی شکل می‌گیرند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۰: ۵۰)

از این رو استعاره‌های مورد بررسی چون مبتنی بر ماده یا پدیده پنداشتن نوع سوم از استعاره هستی‌شناختی_ حوزه مقصد هستند، پس از نوع استعاره هستی‌شناختی به شمار می‌روند. شاعران در این نمونه‌ها با توجه به تجربه‌ای که کودک از اشیاء فیزیکی دارد، استعاره‌ها را برایشان مفهوم‌سازی کرده‌اند. زیرا لذت، تجربه‌ای شخصی، فرامادی و ناملموس است و این قابلیت را ندارد که مستقیماً به آن اشاره شده یا برای کودک ترسیم گردد. از این رو با کمک تجربه‌هایی که یک کودک از مراتب گوناگون لذت می‌تواند داشته باشد، باید این امر را برای او قابل درک ساخت و چون ساده‌ترین و به اصطلاح در دسترس‌ترین تجربه لذت برای یک خردسال، لذت ناشی از خوردن خوراکی‌های باب طبع او است، از این رو شاعران کوشیده‌اند لذت ناشی از امور گوناگون را با این تجربه سطحی کودک هم‌تراز نموده و احساس خود را به او منتقل نمایند. همچنین مجدداً یادآور می‌شویم که شمار استعاره‌های مفهوم‌سازی شده با حوزه مبدا «تلخ» بسیار کمتر از استعاره‌هایی است که مزه «شیرین» حوزه مبدا آن را تشکیل می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت شاعران در تطبیق فضای شعری خود با روحیه کودکان موفق بوده‌اند و شعری شاد، کودک‌پسند و مطابق با ذائقه کودکانه ارائه داده‌اند.

۷. نتیجه‌گیری

یکی از مباحثی که ظهور و رشد زبان‌شناسی شناختی، مسیر مطالعه آن را تغییر داد، استعاره بود. استعاره که سالیان متمادی به عنوان ابزاری شاعرانه شناخته می‌شد که در خدمت کاربرد غیرعادی زبان بود با گسترش علوم شناختی ابزاری برای اندیشیدن و درک امور انتزاعی معرفی شد، با این تعبیر که ذهن امور انتزاعی را از طریق بازسازی آن‌ها در قالب امور مادی درک و دریافت می‌کند. در این دیدگاه، حوزه انتزاعی، «قلمرو مقصد» و حوزه مادی که به واسطه آن درک حوزه انتزاعی امکان‌پذیر می‌شود، «قلمرو مبدا» نامیده می‌شود. قلمرو مبدائی که در استعاره مفهومی استفاده می‌شود می‌تواند یکی از

مدرکات پنج حس ظاهری شنوایی، بینایی، بویایی، چشایی و لامسه باشد. اساس شکل-گیری این پژوهش بر رجحان مدرکات حس چشایی بر ملموسات دیگر حواس بود. در این پژوهش، استعاره‌های مفهومی با مبدا «مزه‌ها» در ۳۰ مجموعه اشعار کودکانه بررسی شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، حدوداً ۶۸ استعاره مفهومی در آثار مورد نظر به کار رفته‌اند که مبدا آن‌ها از مدرکات حوزه چشایی هستند. همچنین از میان مزه‌های گوناگون، مزه‌های شیرین (۴۸ مورد) و تلخ (۲۰ مورد) برای القای مفاهیم مطلوب و نامطلوب، انتخاب شده‌اند. یعنی شاعران با تکیه بر ذائقه کودکانه که عمدتاً شیرینی پسند است، برای مفهوم‌سازی امور مطلوب از واژه «شیرین» و در مفهوم‌سازی امور و حس نامطلوب از کلمه «تلخ» بهره برده‌اند. حوزه‌های مقصد نیز از دو نوع مادی و غیرمادی هستند که حوزه‌های مقصد مادی از متعلقات سه حس شنیداری، دیداری و بویایی انتخاب شده‌اند.

از آنجا که ۱. بیشتر استعاره‌ها با «مزه شیرین» _مزه محبوب کودکان_ مفهوم‌سازی شده-اند؛ ۲. همه آن‌ها از نوع هستی‌شناختی‌اند که با دیدگاه کودکان نسبت به جهان تطابق دارد؛ ۳. با محسوس‌ترین مدرکات، یعنی مدرکات حوزه چشایی مفهوم‌سازی شده‌اند، بنابراین می‌توان گفت شاعران در تطبیق فضای شعری خود با روحیه کودکان موفق بوده‌اند و شعری شاد، کودک‌پسند و مطابق با ذائقه کودکانه ارائه داده‌اند.

کتاب‌نامه

- آهنگر، عباسعلی (۱۳۹۶)، «مقایسه درک استعاره مفهومی کودکان عادی و کودکان کم‌توان ذهنی آموزش-پذیر فارسی زبان»، فصلنامه تازه‌های علوم‌شناختی، سال ۱۹، شماره ۴، صص ۲۸-۴۲.
- ابراهیمی، ج. ۱۳۷۴. پروانه در باران، تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
- الف-۱۳۷۷. آب مثل سلام، چاپ سوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
- ب-۱۳۷۷. شکوفه‌های شعر، تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
- ۱۳۷۸. آواز پویک، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
- ۱۳۸۲. مهربان سبزیپوش، تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
- ۱۳۸۵. آن مرد بازی می‌کند، چاپ سوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
- ۱۳۸۶. رازهایی در باد، تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
- ۱۳۹۲. ماری که شاعرم کرد، تهران: کانون پرورش فکری کودکان.

استعاره مفهومی مزه‌ها در اشعار کودکان ۲۱

افراشی، آزیتا؛ نعیمی فاطمه (۱۳۸۹)، «تحلیل متون داستانی کودک با رویکرد شعرشناسی شناختی»، زبان-شناخت، سال اول، شماره دوم، صص ۲۵-۱.

براتی، مرتضی (۱۳۹۶)، «بررسی و ارزیابی نظریه استعاره مفهومی»، مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۸۴-۵۱.

بکتاش، غلامرضا (۱۳۹۱)، تا رادیو خیر داد، تهران: پالیزان.

تورت، کاترین؛ گیودتی، میشل (۱۳۸۷)، روان‌شناسی رشد، ترجمه احمد یارمحمدیان و همکاران، تهران: انتشارات پویش اندیشه.

خدادوست، احمد (۱۳۸۳)، شعر سبزه‌ها، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

رحمان‌دوست، مصطفی (۱۳۸۹)، دوستی شیرین است، چاپ هفتم، تهران: مدرسه.

----- (۱۳۸۵)، فصل بهار بنویس، تهران: مدرسه.

----- (۱۳۸۴)، پرنده گفت به به، تهران: محراب قلم.

----- (۱۳۷۶)، چشمه نور، چاپ چهارم، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

----- (۱۳۸۸)، گل و چای و خواستگاری، چاپ دوم، تهران: پنجره.

سجودی، فرزانه؛ قنبری، زهرا (۱۳۹۱)، «بررسی معناشناختی استعاره زمان در داستان‌های کودک به زبان فارسی»،

نقدادبی، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۱۵۶-۱۳۵.

شریفی، شهلا؛ حامدی شیروان (۱۳۸۹)، «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چهارچوب زبان‌شناسی

شناختی»، تفکر و کودک، سال ۱، شماره ۲، صص ۶۳-۳۹.

شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۸۵)، روان‌شناسی رشد، چاپ نوزدهم، تهران: اطلاعات.

شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۹۱)، شیشه آواز، چاپ چهارم، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

شعبانی، اسدالله (۱۳۷۸)، پروانه و گل سر، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

----- (۱۳۸۱)، رنگین کمان کودکان، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۰)، صورخیال در شعر فارسی، تهران: نیل.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، بیان و معانی، تهران: فردوس.

شهری، بهمن (۱۳۹۰)، بررسی رابطه میان ایدئولوژی و استعاره با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

صفوی، کورش (۱۳۷۹)، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سوره مهر.

فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.

کزازی، جلال‌الدین (۱۳۶۸)، بیان، زیبایی‌شناسی سخن پارسی، تهران: کتاب ماد.

کشاوری، ناصر (۱۳۸۴)، چکه‌ای آواز؛ تکه‌ای مهتاب، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

کوچش، زولتان (۱۳۹۶)، استعاره، مقدمه‌ای کاربردی، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه.

----- (۱۳۹۳)، استعاره در فرهنگ، ترجمه نیکتا انتظام، تهران: سیاه‌رود.

کیانوش، محمود (۱۳۸۲)، طوطی سبز هندی، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

----- (۱۳۸۱)، زبان چیزها، چاپ سوم، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

----- (۱۳۷۸)، بچه‌های جهان، چاپ سوم، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

----- (۱۳۸۸)، خار و مروارید، لندن.

----- (۱۳۴۳)، شکوفه حیرت، تهران: شب‌اوز

----- (۱۳۵۱)، خرخاکیها یونجه‌ها و کلاغها، تهران: نیل.

----- (۱۳۴۹)، آب‌های خسته، تهران: آگاه.

----- (۱۳۷۱)، شبستان، تهران: آگاه.

محقق، جواد (۱۳۹۱)، یک دانه گردو، چاپ نهم، تهران: زیتون.

----- (۱۳۸۱)، خواب خوب، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

لطف‌الله، داوود (۱۳۸۳)، زندگی: یک لیخند، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

لیکاف، جرج؛ جانسون، مارک (۱۳۹۴)، استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم، ترجمه هاجر ابراهیمی، تهران: علم.

مزیانی، محمدکاظم (۱۳۹۲)، گل، آیینه و قرآن، چاپ پنجم، تهران: کتاب‌های شکوفه.

هاشمی، زهره (۱۳۸۹)، «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون»، ادب‌پژوهی، شماره ۱۲، صص ۱۴۰-۱۱۹.

هاوکس، ترنس (۱۳۹۰)، استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ چهارم، تهران: مرکز.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: نگاه.

Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical Introduction*. 2nd ed. New York: Oxford University Press.

Lakoff, George and Mark Johnson, (1999) *Philosophy* London: Routledge and Kegan Paul Ltd. *in the flesh: Embodied mind and its challenges to western thought*, The Basic books.

Lee, D. (2001). *Cognitive linguistics: An Introduction*. New York: Oxford University Press.

Ogden, Charles Kay and Richards, Ivor Armstrong. (1972). *The Meaning of Meaning*.